**مالیات بر مصرف یا ارزش‌افزوده ابزاری کارامد و استفاده‌ای نادرست**

  
**پديدآورنده:  علیرضا صفایی**

**مقدمه**  
یک تعریف انتزاعی و ایده‌آلی از مالیات، ‌مشارکت مالی داوطلبانه مردم در تامین بودجه بخش دولتی است. اما در حقیقت مالیات، دریافت حقوق و سهم دولت از فعالیتهای اقتصادی مردم به منظور تامین بودجه و گردش چرخهای عظیم بخش دولتی است و به عبارتی انتقال بخشی از مخارج دولت به دوش بخش غیردولتی است.  
با این مقدمه این سوال مطرح می‌شود؛ دولت باید از چه اشخاصی و با چه ترکیب و ضریبهایی مالیات دریافت کند تا هم عدالت رعایت شده باشد و هم بتوان از آن به‌عنوان ابزاری برای هدایت فعالیتهای اقتصادی استفاده کرد؟  
پرداخت‌کنندگان مالیات را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:  
1- تولیدکنندگان کالا و خدمات (مالیات بر عملکرد و مشاغل)،  
2- افراد شاغل در بخشهای مختلف اقتصادی و دولتی که با ارائه نیروی کار خود درامد کسب می‌کنند (مالیات بر حقوق)،  
3- افرادی که کالا و خدمات تولید نمی‌کنند و شاغل هم نیستند، ولی دارای ثروتند و برحسب ثروت خود مالیات پرداخت می‌کنند (مالیات بر ثروت)،  
4- افرادی که تولیدکننده کالا و خدمات‌اند و از تولیدات دیگران نیز مصرف می‌کنند (مالیات بر ارزش‌افزوده)، و  
5- افرادی که تولیدکننده کالا و خدمات نیستند و صرفاً مصرف می‌کنند (مالیات بر مصرف).  
 **مالیات بر عملکرد، مشاغل و حقوق**   
در تمامی مکتبها و تعالیم بشری به‌منظور تربیت و هدایت افراد، به اعمال نیک و صالح پاداش داده می‌شود و بر همین مبنا باید به اعمال نادرست، ‌قصور، ‌کوتاهی، کم‌توجهی، کم‌کاری، ایفا نکردن وظایف و تکالیف اجتماعی جزا و کیفر داده شود.  
رویکرد قانون مالیاتهای مستقیم در ایران، در جهت عکس قاعده بالا عمل می‌کند، به‌طوری‌که اشخاصی که زحمتی نمی‌کشند و فعالیتی ندارند،‌ تولید و یا خدمتی به جامعه ارائه نمی‌کنند و یا نسبت به رسالت و وظایف اجتماعی خود بی‌اعتنا بوده و توان بالقوه خود را به‌کار نمی‌گیرند، قانون مالیاتهای مستقیم برای آنها تكلیفی ندارد، مالیاتی هم نمی‌دهند و برعکس.  
مالیات بر انواع درامد، اشخاص فعال و مولد را تشویق می‌کند که یا دست از تولید کالا و خدمت بردارند و یا حداقل خود را جزء افرادی با کارایی ضعیف و بازدهی اندک نشان دهند (فرار مالیاتی).  
در چنین نظامی مکارم اخلاقی افراد درستکار نیز خدشه‌دار می‌شود و زمینه برای انحراف و فساد مالی تشدید می‌گردد و به‌طور خلاصه می‌توان گفت مالیات بر درامد می‌تواند ابزاری برای جلوگیری از فعالیت سالم اقتصادی، برنامه‌ریزی برای اجرای بهینه امور، ‌مدیریت و کنترل باشد. دولتها به‌طور معمول تنها زمانی این نوع مالیات را به‌کار می‌گیرند که بخواهند فعالیتهای اقتصادی و تولیدی غیرسودمند مانند تولید دخانیات و كالاهای مضر را کاهش دهند.  
 **مالیات بر درامد موجب افزایش کاذب بهای تمام‌شده کالاها و خدمات می‌شود**  
واکنش دیگر برخی از تولیدکنندگان کالا و خدمات نسبت به برقراری مالیات بر عملکرد یا سود، ‌افزایش بی‌رویه و یا ناخودآگاه هزینه‌ها، به‌ویژه از نوع اقلام مندرج در ماده 148 قانون مالیاتهای مستقیم است (هزینه‌های قابل‌قبول مالیاتی).  
باید توجه داشت که درصد چشمگیری از حاصل عملکرد مدیریت (سود) به‌عنوان مالیات بر عملکرد و جزای عمل صالح (تولید کالا و خدمات) دریافت می‌شود. از این‌رو،‌ هرچند مدیر می‌تواند از طریق کنترل و به‌کارگیری روشهای صحیح بسیاری از هزینه‌های نابجا را کنترل یا حذف کند، اما این ساده‌انگاری است که انتظار داشته باشیم بهای تمام‌شده کالاها و خدمات که از اصلیترین مولفه‌های عملکرد یا سود است، در این نظام مالیاتی که بر مالیات بر درامد تاکید دارد، بهبود یابد.  
  
**مالیات بر عملکرد مانع شفاف‌‌سازی حسابها و فعالیتهای تولیدی است**  
از آنجا که مالیات ابزار مالی مهمی جهت هدایت و کنترل سرمایه‌ةا و فعالیتهای اقتصادی تولیدکنندگان کالا و خدمات، بازرگانان، تجار و کسبه و سایر اقشار جامعه است که به شیوه‌های گوناگون دست به فعالیتهای اقتصادی و کسب درامد می‌زنند، ‌لذا در وضعیت کنونی اقتصاد ایران لازم است سرمایه‌های موجود در بخش خصوصی به سوی تولید کالا و خدمات هدایت شود و برای دستیابی به این هدف ابزار بسیار مهم مالیات و مقررات مالیاتی باید به‌گونه‌ای به‌کار گرفته و تنظیم شود که شرایط را فراهم نماید.  
زمانی که رشد اقتصادی در برنامه دولت قرار می‌گیرد، فعالان اقتصادی نباید به‌وسیله مالیات بر عملکرد، مالیات بر مشاغل و مالیات بر حقوق مورد تاخت‌وتاز مالیاتی قرار گیرند. شرایط برای این قشر عظیم که در حقیقت عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی هستند باید به‌گونه‌ای فراهم شود تا بدون دغدغه‌ و نگرانی از پرداخت مالیاتهای کلان و در نتیجه روی آوردن به حساب‌سازی و یا احتمالاً کتمان درامد و یا ابراز هزینه‌های غیرواقعی و غیرضرور به‌منظور کاهش مالیات و افزایش سهم خود از ماحصل عملکرد خود، به فکر فعالیت سالم اقتصادی و بهبود سود باشند.  
  
**ثروت، عاملی برای مصرف یا عاملی برای سرمایه‌گذاری؟**  
فعالیتهای اقتصادی منجر به درامد می‌شود و درامدها نیز انباشته و به ثروت تبدیل می‌شود. ثروت نیز از راههای زیر درخور استفاده است:  
1- سرمایه‌گذاری برای فعالیتهای اقتصادی نوین و تولید مجدد،  
2- به‌کارگیری در بخش واسطه‌گری، و  
3- مصرف در قالب هزینه‌های جاری.  
از موارد مطرح‌شده در فوق تنها استفاده از ثروت جهت سرمایه‌گذاریهای نوین و به‌کارگیری مجدد آن در تولید کالا و خدمات وضعیت مبارک و مطلوبی در جهت رشد و توسعه اقتصادی است و برای دستیابی به این هدف قوانین و مقررات مالیاتی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که ماحصل سرمایه‌گذاریهای مزبور بدون کم‌وکاست به‌دست صاحب ثروت برسد و بدین‌وسیله انگیزه لازم جهت سرمایه‌گذاری مجدد در کشور فراهم شود. صاحبان ثروت به‌جای سرمایه‌گذاری و تولید کالا و خدمات و ایجاد اشتغال، می‌توانند آن را مصرف کنند (در داخل و خارج از کشور) که این از مصداقهای اعمال ناصالح اقتصادی است. لذا مقررات باید به‌گونه‌ای تدوین و اجرا شود که مالیات درخور توجهی از مصرف‌کننده ثروت دریافت شود (مالیا ت بر مصرف با نرخ درخور توجه).  
  
**مالیات بر ارزش‌افزوده**  
صرف‌نظر از تعریفها و تاریخچه این مالیات در سطح ایران و جهان که خوانندگان با آن آشنایی کامل دارند، هر چند در تصویب قانون مالیات بر ارزش‌افزوده و اجرایی شدن آن چالشها و مقاومتهای گوناگونی مطرح بود و بعضاً اجرای آن را دچار مشکل ساخت، اما اکنون پس از گذشت چند سال از ابلاغ این قانون زمینه اجرای عدالت اجتماعی و هدایت صحیح فعالیتهای اقتصادی فراهم شده، به‌شرط آنکه گامهای تکمیل‌کننده آن به شرح موارد آینده برداشته شود تا این طرح بزرگ،‌ نیمه‌کاره رها نشده و عقیم نماند؛ چرا که اگر مراحل بعدی آن اجرا نشود حقانیت صنوف و کسبه در مقابله با اجرای این قانون به اثبات خواهد رسید.  
  
**نتیجه‌گیری و ارائه راهکار اجرایی**   
اصول به‌کارگیری مالیات بر ارزش‌افزوده در تمامی کشورهای صنعتی بر این اساس بوده است و تهیه‌کنندگان لوایح قانونی و همچنین نمایندگان محترم مردم در خانه ملت نیز باید به این موضوع توجه کافی نشان دهند:  
1- نرخ این نوع مالیات (ارزش‌افزوده) باید به‌طور سالانه و یا دوره‌های مناسب دیگر به‌صورت پلکانی افزایش یابد و به موازات این افزایش نرخ،‌ با وضع هر مقدار از این نوع مالیات،‌ همزمان از انواع دیگر مالیاتهای موازی مانند مالیات بر عملکرد، ‌مالیا ت بر مشاغل و مالیات بر حقوق (هر سه نوع) به میزانی که به نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده اضافه شده است،‌ کاهش یابد تا با برگزیدن این سازوکار مناسب، ‌حلاوت، ‌مطلوبیت،‌ مشارکت مردم در اجرایی شدن این قانون در سطح کشور پدیدار گردد.  
2- با حذف پلکانی مالیات عملکرد و مشاغل و حقوق به موازات وضع مالیات بر ارزش‌افزوده، ‌ایجاد عدالت در سطح جامعه، ‌افزایش سرمایه‌گذاری در بخشهای تولید کالا و خدمات،‌ شفافیت و صحت صورتهای مالی، ‌افزایش کنترل، کارایی مدیریت و بهبود سود، ‌ایجاد انگیزه لازم برای برنامه‌ریزی جهت بهبود عملیات و سرمایه‌گذاری آینده، کاهش بهای تمام‌شده محصولات،‌ به‌دست آوردن توان رقابتی مناسب کالا و خدمات تولید داخلی با مشابه خارجی آن و ترویج فرهنگ صداقت و درستکاری ما بین فعالان اقتصادی و دولت فراهم شده و شاهد رشد و توسعه مناسب اقتصادی خواهیم بود.